

فصل چهارم: نام‌ها و یادها

نام نیکو گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار

معنی بیت: اگر خوش-نامی از انسان به یادگار بماند، بهتر از آن است که از او خانه-های مجلل و اشرافی بر جای بماند.

قالب شعری: قصیده لحن: تعلیمی و اندرزی

مفهوم کلی: تاکید بر خوشنامی و نیکوکاری

قرباب معنایی با: چنان زی که ذکرت به تحسین کنند چو مردی نه بر گور نفرین کنند

یا: بد و نیک مردم چو می بگذرد همان به که نامت به نیکی برند

یا: به از نام نیکو دگر نام نیست بد آن کس که نیکو سرانجام نیست

*سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکویی ببرند

*صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار

نکته زبانی: ۳ جمله/ نام نیکو: ترکیب وصفی و نهاد/ گر: مخفف اگر/ ز: مخفف از/ آدمی: متمم/ بماند: فعل/ به: مخفف بهتر
،نقش مسند، بعد آن فعل است حذف شده// کزو: مخفف که از او: او: متمم// سرای زرنگار: ترکیب وصفی: نهاد

معنی لغات: زرنگار: زیبا و مجلل و باشکوه/

نکات ادبی: واج آرایی صامت ن ، ر//

بوستان یا سعدی نامه از سعدی در قرن ۷ در ۱۰ باب نوشته شده است.



این درس از سه بخش تشکیل شده و لحنی روایی دارد که به فراخور متن، از خرده لحن‌های پرسش و پاسخ دو نفره (دیالوگ) و لحن توصیفی نیز بهره برده است.

نثر نوشتاری معاصر و معیار، از ویژگی‌های متن‌های این درس هستند که گاهی از فنون و آرایه‌هایی مانند شعر، تشبیه (کاغذ ذهن و...)، استعاره (ستاره‌ای بدرخشید)، و نیز جناس (انیس و مونس) در آن به چشم می‌خورد.

متن‌های این درس، وقایع و حکایت‌های داستان‌گونه‌ای هستند که به شیوه غیر مستقیم آموزه‌هایی مانند تشویق به کسب علم و دانش، تلاش در راه هدف‌های ارجمند، دوری از جهل و نادانی و... را در خود جای داده‌اند.

معنی لغات درس:

اشعار: ج مکسر شعر	مطالب: جمع مکسر مطلب	مجالس: جمع مکسر مجلس
شعرا: جمع مکسر شاعر	مکت کرد: درنگ کرد	حلاوت: شیرینی، شهد
ساقی: کسی که شراب تعارف می‌کند	ارادت: احترام	لهجه: شکلی از زبان
حکمت: دانش	استعداد: توانایی	بی نظیر: بی مانند
سرشار: لبریز پر	نامی: معروف و مشهور	هیاهو: سروصدا
خیره شدن: مات و مبهوت	لب گزیدن: لب به دندان گرفتن، افسوس و حسرت خوردن	حاصل: نتیجه
کاشف: آشکار کننده	رمیده: گریخته، ترسان	انیس و مونس: همدم و همدل (هم خانواده هم)
وجد: هیجان، شوق	هلهله: فریاد شادی	صدر اعظمی: نخست وزیری

منشأ: محل پیدایش	نامدار: معروف	ذکاوت: تیزهوشی
آبله: بیماری پوستی واگیر که به صورت تاول بر پوست ظاهر می شود.	شیوع: همه گیر شدن، فاش شدن، رایج شدن	جهل: نادانی
واکسینه: واکسن زده شده	از قضا: اتفاقاً	رسا: بلند

نکات قابل توجه درس:

در این درس عنوان های مناسبی برای داستان ها انتخاب شده است که قابل توجه است: «آشپز زاده وزیر» عنوانی ست برازنده محتوا و دارای تناقضی ست که مخاطب را به فکر وامی دارد.

هیاهوی کلاغ ها سکوت باغ را می شکست.: سکوت باغ را شکستن: کنایه از از بین بردن سکوت و آرایه تشخیص

فاصله را یک نفس طی می کرد: کنایه از بی وقفه و سریع رفتن

شنیده ها را بر کاغذ ذهن می نوشت و در دل تکرار می کرد.

کاغذ ذهن: اضافه تشبیهی (ذهن: مشبه، کاغذ: مشبه به) - دل مجاز از وجود محمد تقی / بین کاغذ، نوشتن، قلم: آرایه مراعات نظیر /

نگاه تاسف بار قائم مقام چرخید روی برادرزاده اش: نگاه مجاز از چشم

لب گزید: کنایه از خود را کنترل کرد و چیزی نگفت / افسوس خوردن

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

به حلاوت بخورم که شاهد ساقی است به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست (سعدی)

قالب شعری: غزل

معنی بیت اول: شادابی و خرمی من در جهان ناشی از این است که خداوند دنیایی به این زیبایی و شادابی آفریده است. به همه جهان و گیتی عشق می ورزم چرا که تمام هستی و عالم آفریده خداست.

معنی بیت دوم: بالذات و شیرینی، زهر را می نوشم (سختی ها را متحمل می شوم) چرا که معشوق زیباروی من آن را به من تعارف می کند و می دهد. با احترام هردردی را که از سوی معشوق باشد با جان و دل می پذیرم زیرا که درمان تمام دردها خداست.

نکات ادبی بیت: نکته های ادبی:

ردیف: از اوست // قافیه ها: خرم، عالم، هم //

تکرار: جهان - جهان، خرم - خرم، که - که، عالم - عالم // واج آرای صامت /م/ و مصوت /ا/ و _ا

متناقض نما: به حلاوت بخورم زهر // تناسب . تضاد: درد و درمان // حلاوتی، زهر: تضاد // شاهد: استعاره از خدا

نکته های زبانی:

بیت اول چهار جمله و بیت دوم چهار جمله // آن : ضمیر اشاره // همه عالم: گروه متممی، عالم: هست و متمم، // همه: وابسته پیشین و صفت مبهم.

بیت: ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را انیس و مونس شد

معنی بیت: ستاره ی بی مانندی شروع به درخشیدن کرد و همچون ماه تابان، روشن کننده ی مجلس شد و برای دل های نا آرام و وحشت زده ی ما، یار و همدم مناسبی گردید.

اشاره به تولد رسول اکرم (ص) دارد که به عنوان برگزیده ترین انسان، پا به جهان هستی نهاد.

نکته های ادبی:

قافیه: مجلس - مونس، ردیف: شد - شد // قالب: بیت اول غزل

آرایه های ادبی: استعاره: ستاره و ماه (هر دو استعاره از پیامبر). // تناسب: ستاره و ماه و درخشیدن. /

جناس ناقص افزایشی: ما - ماه / تلمیح به تولد پیامبر / ماه مجلس شدن: کنایه از باعث رونق و شکوفایی آن / واج آرای حرف (س) / تکرار / تشبیه (مانند ماه مجلس)

نکته های زبانی:

سه جمله // را: گسست اضافه: انیس و مونس دل رمیده ما شد. البته را به معنای برای هم معنا می دهد:

برای دل رمیده ما... انیس و مونس: هم خانواده رمیده: صفت بیانی، ما: مضاف الیه / دل رمیده: ترکیب

وصفی //

ماه مجلس: گروه اسمی مسند، ماه: هسته و مسند، مجلس: وابسته پسین و مضاف الیه.

هرگاه بخواهیم برای اسمی توضیحی بیاوریم؛ مثلاً رنگ، اندازه، جنس و...، بعد از نقش‌نمای اضافه (کسره) از صفت بیانی استفاده می‌کنیم، در این صورت یک گروه اسمی شامل هسته (موصوف) و صفت بیانی خواهیم داشت.

در نمونه‌های زیر برای قلم (هسته) چند صفت بیانی آورده‌ایم؛ واژه‌های بعد از قلم، صفت بیانی هستند:

قلم آبی - قلم بزرگ - قلم چوبی - قلم خوب - قلم زیبا - قلم شکسته

صفت بیانی معمولاً وابستهٔ پسین است؛ یعنی بعد از هسته آورده می‌شود.

توضیح ۱: به مجموع موصوف (هسته) و صفت، ترکیب وصفی می‌گویند.

توضیح ۲: اگر پس از هسته و نقش‌نمای اضافه، کلمه‌ای غیر صفت بیانی (اسم یا ضمیر) بیاوریم، به آن

کلمه مضاف الیه می‌گویند. در این حال، مجموع هسته و مضاف‌الیه را ترکیب اضافی می‌گویند؛

مثال: قلم معلم (در این مثال قلم «هسته»، معلم «مضاف‌الیه» و مجموع دو کلمه «قلم معلم»، ترکیب اضافی است.)

ترکیب اضافی: اگر یک اسم یا ضمیر، با کسره به اسمی اضافه شود، به آن واژه‌ها «مضاف و

مضاف‌الیه» و یا «ترکیب اضافی» می‌گویند. خدای من، باغ همسایه

ترکیب وصفی: اگر یک صفت با کسره به اسمی اضافه شود، به آن ترکیب موصوف و صفت

یا ترکیب وصفی می‌گویند. خدای مهربان، باغ پردرخت



موصوف و مضاف، در جمله، نقش نیستند و ممکن است نهاد، متمم، مفعول مسندو... باشند.

تاریخ ادبیات: میرزا تقی خان، امیر کبیر از بزرگ‌ترین مردان سیاسی دوره قاجاریه است. پدرش آشپز قائم مقام بود.

قائم مقام فراهانی: ادیب، منشی و شاعر دوره قاجار، در نظم و نثر فارسی تبحر داشت و «ثنایی» تخلص می‌کرد. مجموعه‌ی نوشته‌های و انشاهای قائم مقام به نام منشآت است. در نوشتن این اثر از گلستان سعدی پیروی کرده است.